

سینمای نئورئالیستی «بهنن قبادی»

سعید شفا

به تماشاگر غربی هم دارد، و این را مرهون مسافرت هایش به جشنواره های بین المللی باید گذاشت که وقتی کاراکترهایش از پیکاسو، رنوار، ون گوگ، CNN، بی بی سی ... حرف می زند، مشخص است که می خواهد پلی میان مردمش و تماشاگر غربی ایجاد کند که گرچه کمی ثقیل است (برای مردمی که روزانه درگیر مشکلات و جامعه کوچکشان هستند، زمانی برای این حرف ها نمی ماند)، همین طور استفاده از کامپیوتر همراه (لپ تاپ) در یافتن نقشه سر راه یا جوانی که موقع دستگیر شدن توسط ژاندارم



مرز می گوید دانشجوی رشته طب است... همگی گویای حرکت زمان حتی در یک منطقه سرسخت و دشوار برای زندگی است. اما «قبادی» در عین حال با بیان طنز، از همان ابتدا، سختی های زندگی در کوهپایه های کردستان را تعدیل می دهد که زندگی خواه ناخواه ادامه خواهد یافت. انتخاب و تأکید روی یک خواننده زن که در نظام جمهوری اسلامی ممنوع می باشد، اشاره دیگریست برای قبول هم دوش بودن زن و مرد در کردستان که آن را حتی در صحنه ای که زن راننده اتوبوس به نزد او می آید، و «قبادی» فقط با نشان دادن پاهای آنها از زیر اتوبوس، در آغوش گرفتن آنها را به نحوی سمبولیک نشان می دهد که اینها در سینمای امروز ایران ممنوع است. اما «قبادی» برای گریز از آن، فیلمش را از کردستان عراق صادر می کند تا درگیری های این چینی نداشته باشد. بازی ها مشخص است که با علاقه اجرا شده اند، چرا که بازیگران همگی از اهالی منطقه هستند و این مرهون رهبری او به عنوان کارگردان است. در فیلم هایی نظیر فیلم های «کیارستمی» که دوربین را جایی ثابت می کند و بازیگران تا جایی که نوار دوربین اجازه می دهد به گفت و گو می پردازند، جای کارگردان خالی ست چون صحنه های طولانی مکالمه (به طور مثال در ماشین)، مکانی برای کارگردانی به معنی رایجش نمی گذارد. فیلمبرداری فیلم بسیار زیباست و زوایایی که «قبادی» در دشت و یا مکان های باز انتخاب می کند، به زیبایی منطقه بیشتر می افزاید. موسیقی فیلم نظیر اکثر فیلم های او دارای شخصیت جداگانه بی

«بهنن قبادی» از معدود فیلمسازان ایران است که به دور از دنباله روی های رایج سینمای پس از کیارستمی، با عرضه چند فیلم بکر، موج تازه یی را در سینمای ایران و سینمای منطقه خاورمیانه به وجود آورد. چهار فیلم گذشته او: زمانی برای مستی اسب ها، آواهای سرزمین مادری من، لاک پشت ها می توانند پرواز کنند و ماه نیمه، هر یک با ریشه در جامعه و سرزمین کردستان، نوید یک سینمای نئورئالیستی را داد که هم چنان پرشور و دیدنی یکی پس از دیگری «سینمای کردستان» را به ثبت می رساند.

کردها بزرگترین اقلیت در دنیا هستند که فاقد یک سرزمین مستقل می باشند. اقلیت بودن آنها به خاطر پراکنده بودنشان در کشورهای ایران، عراق، ترکیه... است که با جمعیت کثیرشان می توانند کشور مستقل خود را داشته باشند. «قبادی» با توجه به این مهم، داستان آخرین فیلمش «ماه نیمه» را به سبک یک فیلم جاده یی بر پایه داستان گروهی نوازنده پیاده می کند که می خواهند از کردستان ایران به کردستان عراق برای اجرای یک کنسرت بروند. رئیس گروه که مردی مسن است، اصرار دارد خواننده زنی نیز آنها را همراهی کند. این خواننده به خاطر منع موسیقی زنان در ایران، به طور پنهانی از کردستان ایران در اتوبوس جاسازی می شود تا از مرز ایران عبورش دهند. ماجراهایی که سر راه آنان حادث می شود، فیلم آخر قبادی را با جشش هایی به مسایل درگیر کردها میان این سو تا آن سوی مرز تشکیل می دهد. «قبادی» در گفت و گویی که با او چند



سال پیش داشتیم، اظهار داشت سینما را از روی علاقه و شخصاً آموخته است. اما استعداد و دید ویژه او به مسایل مردمش، او را در کارش شدیداً معتقد و آگاه نشان می دهد. سینما را به خوبی می شناسد، در پرورش و داستان سرایی و تبدیل آن به فیلم کاملاً وارد است و اینها با در دست دادن به هم، کارهای او را دیدنی و قابل تعمق می سازند. در «ماه نیمه» مشخص است که او نگاهی زیرکانه

میگذارد. ما میتوانیم این را در مقیاس کوچکتر برای ایران داشته باشیم. دیده بان حقوق بشر یک نمونه دیگر است که تحت هیچ عنوان از دولتها کمک نمیگرد. اما افرادی که در آن کار میکنند حق نانشستگی دارند. بیمه دارند. حقوق دارند. اینها حرفه ای شده اند اما حرفه ای که با کمک های مردمی جلو میروند. اینها با دولت هایشان مشکل دارند چرا که فراجناحی اند و برای دفاع از حقوق بشر طرفدار هیچ گروه خاصی نمیشوند و تبعیض نمیگذارند. البته با دولت هایشان مشکل پیدا میکنند از بس که اعتراض میکنند.

بیست سال قبل یک دانشگاه در آمریکا پیدا نمیشد که در دانشگاه حقوقشان حقوق بشر داشته باشد اما الان همه دانشگاههای مطرح این را دارند و بوجه آن از طریق مردم میاید. متأسفانه ما پانصد نفر ایرانی پیدا نکردیم که سالی صد دلار بدهند برای اینکار. ما اهمیت این قضیه را درک نکرده ایم. آینده ملت و پیشرفت آن بسته به حرکت های امروز ماست. باید بدانیم که آرمانگرایی شمشیر دو لبه ای است که هم سرچشمه شور و شوق میتواند باشد هم منبع ایجاد توهم و دستیابی به هدف به هر وسیله. تاریخ جنبش آزادخواهی در میهن ما و تحولات جهانی و همینطور ماهیت رژیم اسلامی در ایران دست به دست هم میدهند که زمینه این آزادی خواهی را فراهم کنند یا اینکه استبداد دیگری را شاهد باشیم.

ادامه مطلب در ماه آینده

گزارشی از سمینار «بررسی موانع تحقق و رعایت حقوق بشر در ایران»

بخش دوم ==

پیشگفتار: در یادداشت ماه گذشته، اصلی ترین مشخصه های سمینار بررسی موانع توسعه حقوق بشر در ایران، برشمرده شد. در این نوشته، به ضرورت و اهمیت توجه به مسئله حقوق بشر در دنیای امروز و بوژه ایران، اشاره می شود با این امید که هموطنان ما، بوژه فعالین سیاسی، پژوهشگران، اندیشمندان و اساتید دانشگاه، به امر خطیر جایگاه حقوق بشر، موارد نقض آشکار آن، و راهکردهای عملی در جهت پیشرفت فعالیتهای جاری و آتی، توجه و عنایت داشته و به سهم خویش در این راستا بکوشند. در جهان امروز، تئوریهای گوناگونی در ارتباط با حرکت کنونی و آتی سیاسی در جهان مطرح شده است. از یکسو تئوری اجتناب ناپذیر برخورد فرهنگها از طرف ساموئل هانتینگتون ارائه می شود که نئو کانهای حاکم بر سیاست آمریکا بدان توسل جسته و تجاوزات نظامی خود را در عراق، افغانستان و ... توجیه می کنند. این تئوری مدعی برتری فرهنگ غرب در برابر سایر فرهنگهاست و راه چاره را در تقابل این فرهنگها میداند و تجاوزات سیاسی را در پرتو «استقرار دموکراسی» توضیح میدهد. نتایج عملی لشگر کشیهای آمریکا، عراق و افغانستان در چند سال گذشته بیانگر نادرستی این طرز تفکر است. از سوی دیگر، عده ای دیگر، از جمله آقای خاتمی - رئیس جمهور پیشین - مدعی «گفتگوی تمدنها» برای رسیدن به تکامل و همزیستی در جهان است توسل به تئوری «نسبیت گرایی فرهنگی» مانع از آن نمی شود که هر گونه جنایت و تضییق حقوق انسانها در این رابطه توجیه شود و اصل صیانت حقوق انسان در پرتو مذهب، فرهنگ بومی، سنت و ... نادیده انگاشته شود. آقای خاتمی و امثال، هرگز اعلامیه جهانی حقوق بشر را مبنای تفکر خود قرار نمی دهند و هیچگاه در صدد تطبیق احکام مذهبی با این دستاورد بشری نیستند، بلکه همواره تفسیر و تعبیر ویژه مذهبی خود را با استدلالات نارووش بخورد مردم میدهند. نتیجه نهایی این تفکر سرپوش گذاردن بر نقض آشکار حقوق بشر، عدم رشد دموکراسی در جامعه، نبود آزادیهای مردمی و ... است. در مقابل این تئوریهها، مدافعین اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار دارند که پرچمدار صلح و آزادی و صیانت حقوق انسان بی توجه به جنس، رنگ، نژاد، تاریخ هستند. اعلامیه جهانی حقوق بشر و منضمات آن، دستاورد مهمی در تاریخ صلح، آزادی و دموکراسی است. با اینکه اکثریت دولتها خود را به اجرای آن ملتزم می دانند، متأسفانه موارد نقض حقوق بشر در همه کشورها از جمله در کشورهای پیشرفته غربی بوضوح دیده می شود. تلاش مدافعین حقوق بشر و نهادهای مدنی در چند دهه گذشته بسیار چشمگیر بوده و نتایج مثبتی بار آورده است، اما این تلاشها باید همواره گسترش یافته و همگانی شود. رعایت حقوق انسان باید از سطح خانواده، محیط کار، جامعه آغاز شده و به همه بخشهای مختلف زندگی انسان تعمیم یابد. حکومت کنونی ایران تلاش کرده و می کند که گفتگوها و روابط خود را با غرب در موضوع «انرژی هسته ای» محدود سازد و هرگز حاضر نیست در مورد نقض آشکار حقوق بشر از جمله اعدام نوجوانان، قطع دست، سنگسار و ... توضیح دهد و به استناد مذهب حاکم این اقدامات ضد حقوق بشر را جایز می شمارد. امید که هر ایرانی خود را در معرض آموزش و تبیین اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار داده و به سهم خویش علاقه، توجه و پابندی خود را در هر عرصه ای نشان دهد. جمعیت حقوق بشر در شمال کالیفرنیا در این راستا دست همه هموطنان خود را در این حرکت انسانی فشرده و از آنان یاری می طلبد. مدافعین حقوق بشر به هیچ ایدئولوژی، جهانی بینی و دسته و گروه سیاسی معینی وابسته نبوده و در پی آلترناتیوسازی در برابر هیچ رژیمی نبوده و نیستند. بهبود وضع حقوق بشر در ایران و جهان آرزوی ماست. «رضا»

روز دوم: میزگرد چهارم:

آزادی مذهب عرفی گرایی و منزلت شهروندی با شرکت دکتر ژاله پیرنظر - ندا شهید یزدانی و فریاد نیکیخت

در این بخش در مورد وضعیت بفرنج بهاییان و یهودیان و زرتشتیان و اقلیت های دینی در ایران صحبت شد. اینکه خیلی ها یا ایران را ترک کردند یا اینکه در حال ترکند. اما یک استثنا بهاییان هستند که به مقاومت در ایران اعتقاد دارند. با تمام این فشارها این رژیم اگر باقی بماند تا بیست سال آینده ایران تپی خالی خواهد شد از این اقلیت ها. آثارشان را از بین میبرند. تحریم فایده دارد. دکتر ژاله پیرنظر به اهمیت همبستگی بین این گروههای اقلیت تأکید کرد و اینکه چطور این تفرقه ها باعث میشود که نیروی مبارز هم هدر رود. در صورتیکه اگر همه با هم به دولت و نیز جامعه های جهانی فشار بیاورند نتیجه خیلی بهتر خواهد بود.

ندا شهید یزدانی که به زبان انگلیسی انجام شد

به طور خلاصه وی به وضعیت بهائیان در قانون و نیز وضعیت اعدامهای بهاییان و وضعیت شکنجه آنها اشاره کرد و به اینکه چطور با ربط دادن بهاییان به صهیونیزم بهانه شکنجه و اذیت آنها را پیدا میکنند. وی از تخریب اماکن بهاییان حرف زد و اینکه چطور تمام مناطق خواص و مقدس برای بهاییان و نیز گورستانهای آنها تخریب شد. و همینطور اخراج گسترده آنها بعد از انقلاب از دستگاههای اداری. اینکه چطور بعد از آمدن احمدی نژاد موج تازه ای از حملات ابتدا از کیهان و بعد هم از گروههای دیگر شروع شد. بهائیان حتی داشتن و کیل را هم ندارند. پنجاه و چهار نفر را پارسال در شیراز گرفتند. بعد اسمال را هم هفت نفر گرفتند که نهایت ترس ما این است که آنها هم به سرنوشت هفت نفر اعدام شده در سال شصت و دو تبدیل شود. و الان دو هفته است که هر گونه تماس آنها با خارج قطع شده و نمیدانیم کجا هستند. کشیش فروتنی از سوی مسیحیان فارسی زبان ایرانی حرف زد و از وضعیت آنان که اهل کتاب مثل شوریان و ارمنیان را اهل کتاب می دانند. آنها آزادی هایی دارند اما خیلی از گروههای مسیحی هستند که گسترده اند. آنها حقوقشان نقض میشود. روشنفکران ما باید در نظر داشته باشند که پدیده جمهوری اسلامی و ضررهایی که ما متحمل شدیم اما این باید توجه شود که اگر کسی بیايد مسیحی شود قرار است کشته شود. من خودم مسلمان بودم، مسیحی شدم، و در کنار دوستانم مبارزه می کنم. ما باید ما بشویم و این اعتراض را همه با هم بلند کنیم. آمار غیررسمی نشان میدهد که در کلیسای خانگی بیش از یک میلیون نفر به طور زیرزمینی جمع میشوند و استقبال میکنند از تغییر.

پنجمین میزگرد: جهانشمولی حقوق بشر نسبیت گرایی فرهنگی در گفتمان پژوهشگران با شرکت دکتر آنتونی جیس و دکتر رضا افشاری.

این پتل به زبان انگلیسی برگزار شد.

Reza Afshari: I state my disagreements with the views of some American human rights scholars who rightly reject the notation If cultural relativism with reference to human rights but in turn propose the concept of tempered universalism. I express my difficulties in understanding what new concept means in practice, or how useful it is to our main tasks of monitoring and documenting the current human rights violations in the non western world. I look at the factors that may have influenced tense scholars to adopt the: notion of tempered universalism. These are four of them, some clearly interconnected. Assumptions about Western ownership of human rights discourse.

1-The post modernist paradigm and assumed failure of the liberal western model of human.

2-Alternatives of the Failed Western Model, the case of Asian

بقیه گزارش سمینار

گزینه فراجناحی برای ترویج و دفاع از حقوق بشر دکتر منصور فرهنگ

ایشان پا تذکر در مورد اینکه مواردی که مطرح خواهد شد احتمالاً تازگی ندارد اما چون بازگویی آنها در جایی که به گفتن آنها نیاز است به ذکر آنها می پردازد. واژه فراجناحی ترجمه کلمه نان- پارتیزان در انگلیسی است که برای اولین بار در سال هزار و هشتصد و شصت برای گروهی از مدافع حقوق کارگران بودند استفاده شد. بعد از آن هم توسط گروههای مختلف مورد استفاده قرار گرفت. یعنی نیاز به این عقیده ابتدا باعث بوجود آمدنش شد و الان باید کوشید که این واژه را که معنایش سخت مورد نیاز است بین ایرانیان جا انداخت. فراجناحی بودن هیچ ارتباطی به غیرسیاسی نبودن ندارد بلکه از بیخ و بن مربوط به قدرت و حاکمیت است. جالب است مثلاً در آمریکا گروهی است که به شدت طرفدار نژادپرستی است و مثلاً کاترینا را به علت ترویج همجنسگرایی میداند اما میآیند میگویند ما در چین حقوق بشر نداریم. چرا. چون نمیتوانند مبلغ بفرستند در چین. این طرفداری های این مدلی هم وجود دارد. اینها اما طرفدار حقوق بشر نیستند. اینها طرفدار حقوق خودشانند. مسئله این است که دفاع از حقوق